

فهرست مطالب

جایگاه فقهی و حقوقی ارتداد.....	۹
از دیدگاه مذاهب خمسسه.....	۹
مفهوم ارتداد از جهت لغوی و اصطلاحی.....	۱۱
انواع ارتداد در مذاهب اسلامی.....	۱۶
نتیجه‌گیری.....	۲۸
منابع.....	۲۹
جایگاه فقهی و حقوقی رسانه‌های ضاله.....	۳۳
و نسبت آنها با آزادی در اسلام.....	۳۳
مفهوم رسانه از جهت لغوی و اصطلاحی.....	۳۶
معنای اصطلاحی رسانه.....	۳۶
ظهور و پیدایش رسانه‌ها.....	۳۷
تعمیم حکم از کتب ضلال به رسانه‌های ضلال از منظر فقه.....	۳۷
معنای لغوی ضلال.....	۳۸
دیدگاه شرع نسبت به اضلال.....	۳۹
معامله‌ی بر رسانه‌های ضلال از منظر حقوق.....	۴۰
عرصه‌های آزادی بیان.....	۴۲
نتیجه‌گیری.....	۵۰
منابع.....	۵۳
الف) منابع فارسی.....	۵۳
ب) منابع عربی.....	۵۴
ج) فهرست مقالات.....	۵۵
جایگاه فقهی و حقوقی تقیه و نسبت آنها.....	۵۷
با رسانه‌های ضاله از دیدگاه فقه اسلامی.....	۵۷



- تعریف تقیه از منظر علمای اهل سنت ۶۰
- تقیه از منظر مفسران اهل سنت ۶۱
- چند نکته درباره تقیه به طور برگزیده ۶۱
- آیات و آراء مفسرین اهل سنت ۶۲
- دیدگاه علمای شیعه ۷۷
- نتیجه‌گیری ۷۹
- منابع ۸۰
- الف) منابع فارسی ۸۰
- ب) منابع عربی ۸۰
- علل تعدد زوجات رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) ۸۵
- از دیدگاه اندیشمندان اسلامی و غربی ۸۵
- انگیزه‌ها و اهداف پیامبر از تعدد زوجات ۸۹
- نظریه‌ی استاد مهدی پیشوایی ۹۷
- نتیجه‌گیری ۱۱۱
- منابع ۱۱۳
- جایگاه فقهی و حقوقی قضاوت زن ۱۱۵
- از منظر حقوق اسلام ۱۱۵
- و مقایسه‌ی آن با حقوق بین‌الملل ۱۱۵
- دلایل جواز یا عدم جواز قضاوت زنان از دیدگاه‌های ۱۱۹
- ۱) دیدگاه فقه اسلامی ۱۲۰
- ۲) بررسی و تحلیل دیدگاه قانون اساسی و حقوقدانان ۱۲۶
۳. دیدگاه عقل ۱۳۰
۴. دیدگاه حقوق موضوعه ۱۳۱
- ۵) دیدگاه حقوق بین‌الملل ۱۳۶
- نتیجه‌گیری ۱۴۱



۱۴۳	منابع
۱۴۷	جایگاه فقهی و حقوقی فیلترینگ (محدودیت)
۱۴۷	در رسانه‌ها از دیدگاه فقه اسلامی
۱۵۱	مفهوم لغوی و اصطلاحی فیلترینگ
۱۵۲	مزایای فیلترینگ
۱۵۲	معایب فیلترینگ
۱۵۲	نسبت فیلترینگ با آزادی اطلاعات و اطلاع‌رسانی
۱۵۳	جایگاه فیلترینگ در قرآن و حدیث
۱۵۵	جایگاه فیلترینگ در فقه و حقوق
۱۵۷	رسانه‌های ضلال و شیوه‌های مقابله با آنها از دیدگاه حقوق اسلامی
۱۵۹	مراد از حفظ رسانه‌های ضلال از منظر فقهاء
۱۶۰	پخش و انتشار رسانه‌های ضلال از منظر فقه و حقوق اسلامی
۱۶۰	الف: از منظر فقه
۱۶۰	ب) از منظر حقوق
۱۶۰	معامله‌ی بر رسانه‌های ضلال از منظر حقوق
۱۶۱	مصادیق رسانه‌های ضلال از منظر فقه
۱۷۰	مصادیق رسانه‌های ضلال از منظر حقوق اسلامی
۱۷۰	مفاهیم مرتبط با جرایم رایانه‌ای
۱۷۲	نتیجه‌گیری
۱۷۴	منابع
۱۷۴	الف) منابع فارسی
۱۷۵	ب) منابع عربی
۱۸۰	ج) مقالات
۱۸۰	د) پایان‌نامه‌ها

avabook.com

جایگاه فقهی و حقوقی ارتداد

از دیدگاه مذاهب خمس

استاد راهنما: دکتر مرتضی جیت‌سازیان

پژوهشگر: محمدرضا روزبهانی



◀ چکیده

از جمله محدودیت‌هایی که اسلام برای مسلمانان در زمینه‌ی آزادی بیان در نظر گرفته است اظهار کفر یک فرد مسلمان است، که در فرهنگ اسلامی ارتداد نامیده شده است و برای شخص مرتد مجازات‌های سنگینی از نظر فقهی منظور گردیده است. اسلام هرگونه تحمیل را در پذیرش دین محکوم می‌شمارد و بر ایمان آگاهانه‌ی انسانها اصرار می‌ورزد، اما بعد از پذیرش اسلام اجازه‌ی بازگشت از دین را به پیروان خود نمی‌دهد و از هر نوع بیان و اظهار عقیده که مبین این امر باشد جلوگیری می‌نماید. در این مقاله ابتدا واژه ارتداد در لغت و سپس در اصطلاح فقهی مورد بررسی قرار گرفته است سپس ارتداد از منظر فقهای امامیه و اهل سنت بیان گردیده و سپس اسباب ارتداد در مذاهب پنج‌گانه به تفصیل توضیح داده شده و همچنین انواع ارتداد در مذاهب اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: ارتداد، آزادی عقیده، مذاهب خمس، فقه و حقوق.

◀ مقدمه

موضوع ارتداد و حکم شرعی آن از مباحث مهم عصر فعالی می باشد. شاید از صد سال قبل، موضوع مورد توجهی نبود اما در حال حاضر به بهانه‌های گوناگون مورد استفاده دشمنان اسلام قرار می‌گیرد تا بتوانند به وسیله‌ی آن چهره‌ی اسلام را سیاه و خشن جلوه دهند. در این مقاله سعی شده است نظرات و عقاید مذاهب پنج‌گانه مورد بررسی قرار گیرد و نقاط اشتراک و اختلاف دیدگاه‌ها روشن شود. اظهار کفر در فرهنگ اسلامی ارتداد نامیده شده است و برای شخص مرتد مجازات‌های سنگینی از نظر فقهی منظور گردیده است. اما این که ارتداد چیست؟ موجبات آن کدام است و چند نوع است و کیفر هر کدام چیست؟ و دهها مسأله دیگر که درباره‌ی موضوع ارتداد مطرح است از مباحث مهمی است که باید به صورت جداگانه بدان پرداخته شود، ولی آن چه مسلم است این که اسلام هرگونه تحمیل را در پذیرش دین محکوم می‌شمارد و بر ایمان آگاهانه‌ی انسانها اصرار می‌ورزد، اما بعد از پذیرش اسلام اجازه‌ی بازگشت از دین را به پیروان خود نمی‌دهد و از هر نوع بیان و اظهار عقیده که مبین این امر باشد جلوگیری می‌نماید. در راستای اهداف مزبور، تلاش می‌شود به سؤال‌های زیر پاسخ داده شود:

۱- ماهیت فقهی و حقوقی ارتداد چیست و در چه حوزه‌هایی از فقه و حقوق، شرط است؟ و با آن چه در فقه و حقوق اسلامی وجود دارد منطبق است یا خیر؟ و همچنین در فقه و حقوق چه



عناصری در قلمرو ارتداد تأثیرگذار است و اسلام چگونه معیارهای تحقق ارتداد را پیش‌بینی نموده‌اند و سنجش میان دیدگاه‌های آنها، چه آثار و نتایجی در پی خواهد داشت؟

۲- آنچه در فقه و حقوق با موضوع ارتداد مطرح شده، چگونه قابل ارزیابی می‌باشد؟ و آیا محدودیتهای اعمال شده در ارتداد با آزادی انسان منافات دارد یا خیر؟

موضوع ارتداد از پیشینه کهنی در ملل و نحل مختلف برخوردار است به طوری که مجازات مرتد یکی از مسایل مشترک همه ادیان می‌باشد. در فقه و حقوق اسلام نیز ارتداد و احکام آن در زمینه‌های ارث، طهارت، حدود، قصاص، قذف و... بخش مهمی از متون فقهی را به خود اختصاص داده و افزون بر آن در زمان کنونی نظریات حقوق بشری نیز این موضوع را به چالش کشیده‌اند. شیوه‌ی محتوایی این مقاله، با استفاده از منابع متعدّد فقهی، بیشتر حالت تحقیق کتابخانه‌ای دارد. و روش غالب پژوهش، ارزیابی نظریات و آراء، نقّادی و تبیین استدلالی متناسب با آن می‌باشد. یکی از موضوعاتی که قابل بیان و بررسی است جایگاه فقهی و حقوقی ارتداد از دیدگاه فقهای اسلام می‌باشد. در این پژوهش سعی بر آن است که به بررسی مواردی پرداخته شود که باعث ارتداد می‌شود و همچنین جواز و عدم جواز آن موارد از منظر فقه و حقوق اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و راهکارهایی ارائه گردد. و همچنین نسبت ارتداد با آزادی در اسلام از دیدگاه‌های مختلف اسلامی مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

مفهوم ارتداد از جهت لغوی و اصطلاحی

ارتداد در لغت: ارتداد در لغت به معنای رجوع نمودن و بازگشتن است. ارتداد و رده به معنای برگشتن در همان راهی است که از آن آمده است. با این تفاوت که «رده» تنها برای کفر به کار می‌رود ولی ارتداد هم در بازگشت از دین (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۱۷۹) و هم در غیر از آن، مثلاً بازگشت به سنت‌ها و حالات اولیه و ... به کار می‌رود.

ارتداد در اصطلاح فقهی: آشکار نمودن شعار کفر پس از ایمان به گونه‌ای که مستلزم انکار نبوت پیامبر یا یکی از ضروریات دین باشد. (حلبی، بی‌تا، ص ۳۱۱) از نظر احناف مرتد عبارت از کافر شدن مسلمانی است که اسلام او به شهادتین و پس از آگاهی بر دعائم و ارکان اسلام و التزام به احکام آن باشد. مالکیه، حنابله و ظاهریه نیز چنین گفته‌اند و نظر شافعیه در مورد ارتداد



دین این است: بریدن از اسلام به وسیله نیت یا گفتن کفر و یا انجام عمل کفر آمیز است. بنابراین ارتداد از لحاظ شرعی عبارت از کافر شدن مسلمان با کلام و عملی که او را از دایره‌ی اسلام خارج می‌کند.

دیدگاه فقهای امامیه: فقهای امامیه علاوه بر قتل، عقوبتهای زیر را برای مردی که مرتد فطری است در نظر گرفته‌اند: جدایی از همسر و تقسیم اموال بین ورثه. در کتب فقهی برخی جزئیات درباره‌ی این مجازات‌ها، چون مسأله‌ی قبول توبه‌ی مرتد و عده‌ی وفات همسر مورد بررسی قرار گرفته‌اند. ادله مورد تمسک در احکام این باب، علاوه بر اجماع، شماری از روایات هستند. اما چنانچه مردی مرتد ملی باشد، مهلتی برای توبه نمودن او مقرر است و تنها در صورت سرباززدن از توبه مجازات می‌گردد. در صورت تکرار ارتداد برای بار سوم قتل او واجب است. مرتد ملی در صورت توبه از کفر خویش، از حکم محجور شدن از تصرف در اموال و فسخ عقد نکاح برکنار خواهد بود، گرچه تجدید عقد با زوجه‌اش نیاز به انقضای مدتی برابر عده طلاق دارد. تمام احکام یاد شده مربوط به مرد مرتد است، اما زنی که مرتد گردد در مورد مجازات وی از نظر فقهای امامیه تفاوتی بین مرتد ملی و فطری وجود ندارد. (محقق داماد، ۱۳۷۵، ج ۷، صص ۴۴۳-۴۴۴) در اینجا به نمونه‌ای از روایات موجود در منابع معتبر شیعی که به طور صریح یا تلویحی به این مسئله پرداخته‌اند، اشاره می‌شود: عمار؟ می‌گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: هر مسلمانی از مسلمین که از دین اسلام برگردد و منکر نبوت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و سلم) شده و او را آگاهانه تکذیب کند، خویش بر هر کس که این سخن را بشنود، مباح است و به مجرد ارتداد، همسرش از او جدا شده و احوالش بین ورثه‌اش تقسیم می‌شود و همسرش عده وفات نگه می‌دارد و بر امام است که او را بکشد و از او توبه نخواهد. (حر عاملی، ۱۴۲۶ق، ج ۱۸، ص ۵۴۶)

دیدگاه فقهای اهل سنت: فقهای مکاتب چهارگانه‌ی اهل سنت با یکدیگر موافق هستند که فرقی میان مرتد ملی و فطری نیست. در مورد مجازات مرتد نیز نسبت به مهلت دادن برای توبه و سپس قتل در صورت عدم توبه، تردید نموده‌اند، اما نسبت به جزئیات این احکام نظیر واجب بودن یا مستحب بودن مهلت برای توبه، چگونگی تقسیم اموال مرتد، اختلاف نظرهایی به چشم می‌خورد. (محقق داماد، ۱۳۷۵، ج ۷، صص ۴۴۳-۴۴۴)



دیدگاه فقهای حنفیه: در دیدگاه فقهای حنفیه، مستحب است حاکم شرع، اسلام را بر مرتد عرضه نماید تا شبهه‌اش برطرف گردد. مهلتی که برای توبه‌ی مرتد در نظر گرفته می‌شود، سه روز است که این ایام را در حبس سپری می‌سازد و اگر پس از انقضای مدت توبه نکرد، مجازات خواهد شد. البته حنفیان مهلت دادن به مرتد را تنها در دو صورت مستحب شمرده‌اند: حاکم امیدوار به توبه وی باشد، یا مرتد شخصاً تقاضای مهلت کند. زن مرتد به هیچ وجه کشته نمی‌شود و مجازاتش تنها حبس است. به طور کلی با تحقق ارتداد مالکیت مرتد از میان می‌رود تا هنگامی که شخص توبه کند؛ اما اگر کشته شد، اموال به دست آمده در زمان اسلامش به وارثان مسلمانش تعلق می‌گیرد و اموالی که در زمان ارتداد به دست آورده، به بیت‌المال می‌رسد. (همان.)

دیدگاه فقهای شافعی: بین شافعیان درباره‌ی وجوب دادن مهلت توبه و استحباب آن اختلاف نظر وجود دارد. قائلان به وجوب در اکثریتند و معتقدان به استحباب اقلیت را تشکیل می‌دهند. در خصوص مدت مقرر برای توبه مرتد نیز نظریات یکسان نیست. گروهی سه روز را مد نظر قرار داده، و عده‌ای آن را همان نخستین زمان‌ها در محکمه محدود نموده‌اند. با این حال، شافعیان به اتفاق آراء معتقدند که مرتد در صورت ابا کردن از توبه کشته خواهد شد و در این حکم بین زن و مرد تفاوتی نیست. در مورد اموال مرتد نیز برخی با تحقق ارتداد حکم به خروج اموال از ملک مرتد داده‌اند و گروهی دیگر معتقدند که در صورت عدم توبه، چنین حکمی جاری خواهد بود؛ بر این پایه، در واقع با کشته شدن مرتد، کشف می‌گردد که اموالش از ملک وی خارج شده است. به هر حال اموال مرتد در صورت خلع ید وی به بیت‌المال سپرده می‌شود و هیچ وارثی حق ارث بردن از او را ندارد. (همان.)

دیدگاه فقهای حنبلی: فقهای حنبلی نسبت به وجوب دادن مهلت یا استحباب آن اختلاف عقیده دارند، اما در هر صورت مدت مهلت را همان سه روز دانسته‌اند. مرتد ایام مهلت را در حبس سپری می‌سازد و توبه او می‌باید از روی میل باطنی صورت پذیرد، اما اگر وی در اثر اکراه، تن به توبه دهد، جست‌وجو از حقیقت این توبه لازم نیست. نزد این فقیهان، مرتد در صورت پذیرفتن توبه مجازات خواهد شد، و در این حکم بین زن و مرد تفاوتی نیست. حنبلیان سلب مالکیت از مرتد را جایز نمی‌شمارند ولی با تحقق ارتداد وی را از تصرف در اموالش ممنوع می‌سازند و در صورت کشته شدنش، تمامی اموال او را به بیت‌المال می‌سپارند. (همان.)



دیدگاه فقهای مالکی: از دیدگاه مذهب مالکی واجب است که حاکم شرع، اسلام را بر مرتد عرضه کند و از وی بخواهد تا توبه نماید. به مرتد سه روز مهلت داده خواهد شد تا دست از کفر خویش بشوید. این مهلت از روز اثبات کفر در محکمه شروع می‌شود، نه از روز کفر ورزیدن. ایام مهلت را مرتد در حبس سپری خواهد کرد، اما بدون این که مورد خشونت یا آزار قرار گیرد. خوراک و آشامیدنی به هزینه مرتد در اختیارش قرار خواهد گرفت. در اجرای این مجازات تفاوتی بین مرد و زن نیست؛ تنها تفاوتی که مالکیان برای زن مرتد قائل شده‌اند این است که مهلت توبه وی گذشتن ایام عادت ماهانه است تا شبیهی وجود حمل نیز برطرف گردد. هیچ کدام از آیات قرآن مجازات دنیوی مرتد را بیان نکرده بلکه تنها به وعده‌ی الهی مبنی بر مجازات مرتد در جهان آخرت اشاره شده است بنابراین مستند اساسی فقیهان در مورد مجازات مرتد و قرار دادن آن در زمره‌ی حدود، حدیث‌های نبوی است که در اینجا به یک مورد آنها می‌پردازیم. (همان). ♦

حدیث محاربین از عکل و عرنیه: این حدیث را امام بخاری و امام مسلم و دیگران از انس روایت کرده‌اند مبنی بر اینکه هشت نفر از قبیله عکل نزد پیامبر آمدند و با او بیعت نمودند و مسلمان شدند. پس از آن روزگار بر آنان سخت شد و دچار ضعف و ناتوانی شدند و از این بابت نزد پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وسلم) زبان به شکایت گشودند. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وسلم) فرمودند: «آیا می‌خواهید با چوپان و شتر وی به صحرا بروید تا از شیر شتر و مزیت‌های دیگر آن بهره‌مند گردید؟» آنها گفتند بله، پس همراه چوپان رفتند و از شیر و لبنیات شتر خوردند و سلامتی خود را یافتند، پس چوپان پیامبر را کشتند و شتر را دریدند. این خبر به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وسلم) رسید. پیامبر بی‌درنگ گروهی را به تعقیب آنها فرستاد و آنان را یافتند و نزد پیامبر آوردند. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وسلم) دستور دادند که دست‌ها و پا‌های آنان را قطع کنند و زیر آفتاب ماندند تا مردند. (مالک بن انس، ص ۷۳. هندی، ج ۸، ص ۴۰۸)

اسباب ارتداد: اموری که موجب می‌شود مسلمانی شرعاً و برابر ادله و منابع، از اسلام بیرون رفته و ارتداد محقق شود از دیدگاه اهل سنت و شیعه مورد بررسی قرار می‌گیرد.



علمای اهل سنت امور زیر را سبب ارتداد می‌دانند

- ۱- انکار ربوبیت خداوند
- ۲- شرک به خدا
- ۳- نفی صفتی از اوصاف الهی
- ۴- انکار نبوت پیامبران
- ۵- دشنام به خدا و رسول
- ۶- ترک و یا انکار یکی از عبادات پنجگانه از روی عمد و آگاهی
- ۷- انکار محرمی از محرمات مسلم الهی به گونه‌ای که قابل توجیه نباشد و نشود گفت که از روی ناآگاهی انکار کرده است.
- ۸- ادعای نبوت
- ۹- تأیید و تصدیق مدعی نبوت.

از نظر مالکیه، اسباب و موجبات ارتداد به دو قسم است:

- ۱- سخنی که صراحتاً دلالت بر کفر کند همانند اعلام کفر به خدا و رسول خدا و قرآن.
- ۲- سخنی بگوید که لازمه آن کفر باشد، مثل اینکه وجوب نماز را منکر گردد یا کاری انجام دهد که مستلزم کفر باشد مثل اینکه قرآن را پرت کند. (جزیری، ۱۳۵۰، ج ۴، ص ۳۳۱)

شافعیه می‌گویند ارتداد از سه طریق ثابت می‌شود:

- ۱- به سبب تلفظ به الفاظ کفر
- ۲- به انکار واجبات
- ۳- به مباح و حلال دانستن محرمات.

دیدگاه فقهای حنفی: حنفی‌ها می‌گویند ارتداد با جاری کردن سخنان کفرآمیز بر زبان، بعد از وجود اسلام تحقق می‌یابد همان‌طور که ارتداد با انکار چیزی که ضروری دین محسوب می‌شود تحقق می‌یابد مانند انکار وجوب نماز یا روزه، و در صورت امکان اگر بتوان کلام مسلمان را بر وجه نیکو حمل کرد حکم به کفر مسلمان جایز نیست. و در کنز العمال به قول حنفی آورده شده که ارتداد یعنی هر سخنی یا کاری که با آنچه ضرورتاً از امور دین شناخته